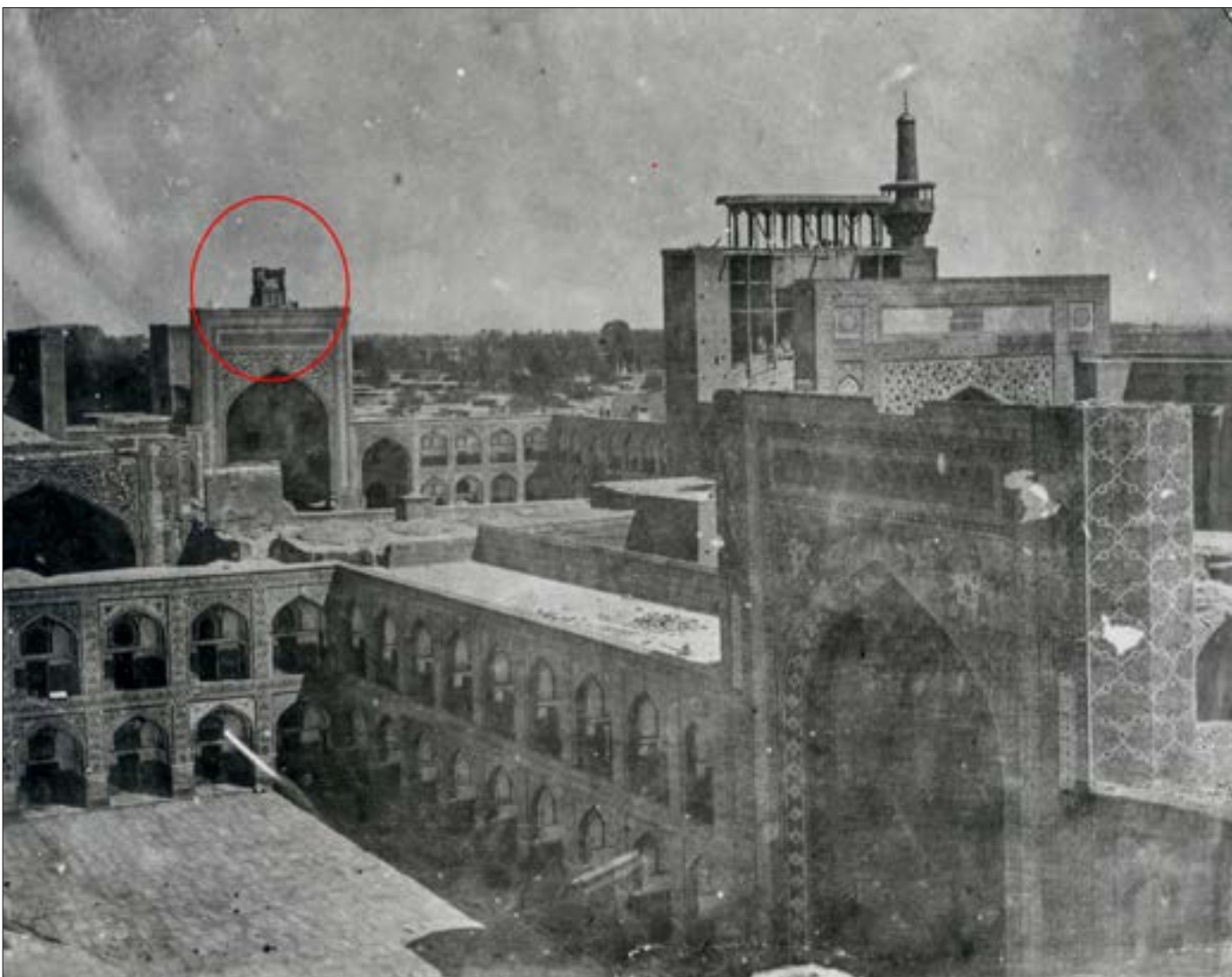




چشم اندازی از صحن کهنه و ایوان غربی آن از فراز ایوان شرقی صحن نو (باب السلام) که توسط آقارضا عکاس باشی و در سفر نخست ناصرالدین شاه به مشهد ثبت شده است.



نمایی از ساعت ساخت دوره نادرشاه که بر فراز ایوان شمالی صحن کهنه قرار داشت. این ساعت در دوره قاجار و ظاهرا به دلیل فرسودگی جمع آوری شد.

درباره ویژگی‌های تاریخی و معماری ایوان غربی صحن انقلاب

ناشنیده‌هایی از ایوان ساعت

مرضیه ترابی سال ۱۰۱۰ قمری سرآغاز دور دوم توسعه عمرانی حرم رضوی بود. پیش از آن و در ابتدای قرن نهم، توسعه بزرگ «عصر گوهرشاد» رقم خورد که باید امتداد آن را تا دوران سلطان حسین بایقرا و تکاپوهای امیرعلیشیر نوایی پی جویی کرد. با آغاز دور دوم توسعه، حرم امام رضا^(ع)، هم از لحاظ مساحت، هم از نظر کیفیت و کمیت انبیه، شاهد تحولی بنیادین شد. استفاده از «صحن» که شاید تا پیش از آن مورد عنایت چندانی نبود، در دستورکار قرار گرفت و صحن بزرگی، هم‌راستا با الگوی صحن قدیمی و کوچکی که آن را در دوره تیموری ساخته بودند، بنا شد؛ صحنی که امروزه آن را با نام «صحن کهنه» یا «صحن انقلاب» می‌شناسیم. در طراحی این صحن، از الگوهای معماری ایرانی به گستردگی و با ظرافتی مثال‌زدنی استفاده شد؛ یکی از مهم‌ترین این الگوها، ایوان‌هایی رفیع با تزیینات چشم‌نواز بود که عظمتی خاص به فضای صحن می‌بخشید. این ایوان‌ها را با الگوبرداری و در نظر گرفتن تقارن و توازن با ایوان مشهور «میرعلیشیر» (که بعدها نادرشاه آن را با روکش طلا تزیین کرد و به ایوان طلا شهرت یافت) ساختند و برای آن‌ها، کاربری‌هایی افزودن بر دروازه عبور و مرور در نظر گرفتند. ایوان‌ها، مکانی برای پیتوته بودند و آن‌ها که دروازه عبور و مرور عمومی محسوب نمی‌شدند، مکان درس و بحث هم به حساب می‌آمدند. به این ترتیب، چهار ایوان که امروزه آن‌ها را با نام‌های «ایوان طلا»، «ایوان نقاره‌خانه»، «ایوان ساعت» و «ایوان عباسی» می‌شناسیم، با گرفتن و به بخشی از شکوه معماری حرم رضوی تبدیل شدند. در این نوشتار، قصد داریم بخشی از ناگفته‌های یکی از ایوان‌های صحن کهنه را برایتان بازگو کنیم؛ «ایوان ساعت».

شاهکار مهندسی دوران معاصر

اما نکته ناگفته و در عین حال جذاب دیگری که درباره ایوان ساعت وجود دارد و احتمالاً آن را نشنیده‌اید، به حدود دوده‌قبل و ساخت رواق مشهور دارالحجه باز می‌گردد. همان‌طور که می‌دانید این رواق با ۶ هزار و ۸۰۰ مترمربع فضای اصلی، بعد از رواق امام خمینی^(ع)، بزرگ‌ترین رواق حرم رضوی است؛ رواقی که ساخت آن در سال ۱۳۸۱ خورشیدی آغاز شد و دو سال بعد به پایان رسید و همه مساحت زیر صحن کهنه را در بر گرفت. یکی از ورودی‌های اصلی این رواق، از بست شیخ طوسی (بست بالا) است که با فاصله‌ای حدوداً پنجاه متری از ایوان ساعت قرار دارد. نکته جالب اینجاست که در سال ۱۳۸۱ خورشیدی و هنگام خاک‌برداری برای اتصال ورودی‌ها، باید از اصل بنای ایوان محافظت می‌شد. شاید اگر وزن این بناراندانید، اهمیت و حساسیت چنین اقدامی مشخص نباشد. ایوان ساعت، طبق محاسبات مهندسان، ۷ هزار تُن وزن داشت و آن‌ها باید بدون ایجاد تنش، تکانه و هر عاملی که باعث تخریب آن شود، زیرش را برای ایجاد راه‌رو متصل به دارالحجه خالی می‌کردند. این عملیات ظریف و فوق‌العاده حساس طی یک سال صورت گرفت و با موفقیت به پایان رسید. نظیر همین اقدام برای ایوان شرقی (نقاره‌خانه) هم انجام شد.

راز تاریخی ایوان ساعت

برخلاف باور عمومی که نصب ساعت را در حرم امام رضا^(ع) به ایوان غربی صحن کهنه محدود می‌کنند، نخستین ساعت بزرگ حرم مطهر در سال ۱۱۱۴ خورشیدی (۱۲۸۹ سال پیش) به دستور نادرشاه افشار ساخته و در ایوان شمالی صحن کهنه، موسوم به «ایوان عباسی» نصب شد. این ساعت تا دوره ناصرالدین‌شاه برپا بود و حتی تصاویری از آن با دوربین آقارضا عکاس باشی وجود دارد که اخیراً همراه با مجموعه عکس آلبوم‌های کاخ موزه گلستان منتشر شده و در دسترس عموم قرار گرفته است. با استفاده از همین تصاویر معلوم می‌شود که ساخت برج ساعت بر فراز ایوان غربی صحن کهنه، در دوره ناصرالدین‌شاه آغاز شده است. از آنجاکه عکاس این تصاویر، چنان‌که گفتیم، آقارضا عکاس باشی بوده است و او نیز چنان‌که مهدی بامداد در «شرح حال رجال ایران» می‌نویسد، در سال ۱۳۰۷ قمری و به دستور ناصرالدین‌شاه قاجار و با «قهوه فجری» مسموم و مقتول شد می‌توان نتیجه گرفت که این تصاویر در همان سفر نخست شاه قاجار به مشهد تهیه شده است؛ باین حال، در یکی از این تصاویر، داربست مربوط به ساخت برج ساعت بر فراز ایوان غربی صحن کهنه دیده می‌شود و به نظر می‌رسد طرح اصلی ساخت چنین فضایی در دوره ناصرالدین‌شاه ریخته شده باشد. از آنجاکه سال ساخت ساعت نصب شده در این برج - چنان‌که در کاسه آن حک شده است - سال ۱۸۹۳ میلادی (۱۲۷۲ خورشیدی) و سه سال قبل از مرگ ناصرالدین‌شاه است. این دیدگاه دور از انتظار و حقیقت نخواهد بود که فرض کنیم ساعت مشهور به «ساعت مظفری» اصولاً ارتباطی به مظفرالدین‌شاه ندارد و باید دلیلی دیگر برای این نام‌گذاری نه چندان متعارف یافت. نام‌گذاری بالاحیابان به نام «خیابان مظفریه» - که پیش‌تر به آن در قالب کتیبه «صدیق السلطنه» اشاره کردیم - می‌تواند کلید یافتن دلیل این نام‌گذاری نامتعارف باشد. به نظر می‌رسد که بعد از این نام‌گذاری و احتمالاً براساس دستور صادره، نه فقط بالاحیابان، بلکه ایوان و ساعت قرار گرفته بر فراز آن هم لقب مظفریه گرفتند و این امر ابداع اتفاق بی‌سابقه‌ای نیست و می‌توان برایش نمونه‌های متعددی را در تاریخ احصا کرد (مانند نمونه مدرسه عباسقلی‌خان که در دوره شاه‌عباس دوم ساخته شد. اما بر کتیبه آن گزارش عمرانی مربوط دوره شاه سلیمان صفوی حک شده است)، باین حال، از آنجاکه تغییر نام‌های بی‌وجه چندان اعتباری پیدا نمی‌کنند و در حافظه تاریخی مردم باقی نمی‌مانند، بالاحیابان هم چنان به نام بالاحیابان در ذهن مردم باقی ماند و میراث آن نام‌گذاری، در اسامی ساعت ایوان غربی صحن کهنه منحصراً شد، به همین دلیل است که با وجود عدم ارتباط زمانی هنگام ساخت برج و نصب ساعت با دوره مظفرالدین‌شاه، این شیئی شناخته شده حرم مطهر را با عنوان «ساعت مظفری» معرفی می‌کنند. بدیهی است که این دیدگاه را می‌توان با ارائه اسناد نویافته‌تر تصحیح و تکمیل کرد

۲ کتیبه مهم

سنگ بنای ایوان ساعت، همان‌طور که اشاره کردم، در عهد شاه عباس یکم صفوی گذاشته شد؛ ایوانی با ارتفاع ۲۴/۱ و دهانه ۶/۹ متر که آن را در جناح غربی صحن کهنه ساختند. این ایوان از لحاظ آرایه‌ها و تزیینات، یکی از زیباترین ایوان‌های حرم رضوی است. برخی معتقدند که کتیبه «علیرضا عباسی» در داخل این ایوان، در زمره عالی‌ترین آثار این هنرمند عهد صفوی است. این کتیبه که در قسمت داخل ایوان با خط زیبایی نسخ، به رنگ سفید و در زمینه لاجوری به رشته تحریر درآمده، تنها کتیبه‌ای در حرم رضوی است که در آن آشکار از منابع اهل سنت سخن به میان آمده است. بخش نخست کتیبه، از کتاب مشهور «صحیح بخاری» است که در آن حدیث «آیه تطهیر» به نقل از جناب عایشه روایت می‌شود و اهل بیت^(ع) را منحصر در رسول خدا^(ص)، امیرمؤمنان^(ع)، فاطمه زهرا^(ص) و حسین^(ع) می‌داند. بخش دوم کتیبه، حدیثی برگزیده از کتاب «صحیح مسلم» است که به نقل از سعد بن ابی وقاص به تفسیر آیه «مباهله» می‌پردازد و آن را در شأن پنج تن آل عبا^(ع) می‌داند. کتیبه مهم دیگری که در این ایوان - در بخش بیرونی - وجود دارد، مربوط به دوره قاجار و یادگار «صدیق الدوله»، نایب‌التولیه وقت آستان قدس رضوی، است. و برده از رازی نهان بر می‌دارد که بعد از بررسی متن کتیبه، به آن خواهیم پرداخت؛ «لمثل هذا فی‌عمل‌العام‌ل‌من/ در عهد دولت جاوید مدت‌بندگان علی‌حضرت اقدس شاهنشاه اسلامیان پناه السلطان بن سلطان بن سلطان و الخاقان بن خاقان بن خاقان السلطان مظفرالدین‌شاه قاجار خلد... ملکه و اوان صدارت حضرت مستطاب اجل امجد اشرف اعظم اکرم میرزا علی‌اکبرخان اتابک مدظله العالی این چاکر دربار معدلت و حاجب آستان قدس سرکار فیض آثار محمد رضا صدیق الدوله متولی باشی برحسب امر قدر قدرت ملوکانه به تعمیر و نظیف صحنین مبارک و نهر خیابان علیا و سفلی و احداث طاحونه و چراغ‌ها و طارمی‌های کنار نهر پرداخت و به خیابان مظفریه موسوم ساخت فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۷ کتبه محمدالموسوی صبیح‌التولیه». کتیبه مذکور از دو جهت درخور تأمل و بررسی است؛ نخست تعمیرات مربوط به حرم رضوی و بالاحیابان در رجب سال ۱۳۱۷ قمری (آبان سال ۱۳۲۸ خورشیدی) که نشان می‌دهد در این سال، چه اقداماتی برای بهبود وضعیت عمرانی حرم مطهر و شهر انجام گرفته و دوم مسئله نام‌گذاری بالاحیابان به نام «مظفریه» که می‌تواند پرده از رازی تاریخی بردارد.

روایتی ۲۹۲ ساله از احداث دومین گلدسته صحن کهنه

گزارش شاهد عینی از ساخت مناره نادری

بالا به پایین نظاره می‌کردی، عمله‌ای که در آنجا کار می‌نمود، به نظر حقیر چون گنجشک می‌آمد و آن زمین‌را به آجر و گچ و ساروج کار نموده به روی زمین رسانیدند و بعد از آن، استادان معمار آن زمین را فلکه زده (داربست زدند) طرح گلدسته را ریخته گچ کاری نموده و ارتفاع آن را بلند نمودند و بعد از اتمام آن منار، تنکه طلا ساخته مصفی و مجلی چون گوهر گران بها و چون جنت المأوی نمایان نمودند. «احداث مناره پشت ایوان عباسی، باعث نشد که داخل ایوان نیز به مسیر عبور و مرور تبدیل شود. این وضعیت تا سال ۱۳۵۸ خورشیدی برقرار ماند و در این سال، با احداث بست شیخ طبرسی، مسیر ایوان به سوی بیرون باز شد. در تصویر امروز، عکسی از مناره نادری را می‌بینید که در سال ۱۳۵۴ خورشیدی و در بحبوحه تخریب بزرگ، توسط علی اصغر ناصری، عکاس آستان قدس رضوی، برداشته شده است. در این عکس قاعده مربع شکل مناره کاملاً هویداست. بد نیست بدانید که در بنای مناره، قاعده را به صورت استوانه‌ای نمی‌سازند، بلکه از جهت استحکام بیشتر، آن را به صورت چندوجهی منتظم بنا می‌کنند تا در برابر لرزهای احتمالی و تنش بنای مناره، مقاومت بیشتری داشته باشد. در این تصویر، بخشی از بنای تخریب شده مدرسه ملاتاجی را هم می‌بینید. قسمت‌های شرقی این مدرسه، بعدها به ساختمان دانشگاه علوم اسلامی رضوی ملحق شد و قسمت‌های غربی آن در بست شیخ طبرسی قرار گرفت.

ترابی اقدمت ساخت مناره‌ها در حرم مطهر، احتمالاً به دوره غزنوی بازمی‌گردد. بیهیگی در تاریخ خود ضمن اشاره به اقدامات سوری بن معتر، گزارش می‌کند که وی در کنار روضه منوره رضوی، مناره‌ای بنا کرده بود. به استثنای مسجد گوهرشاد که تولیت و فضای مجزاداشت، مناره کنار روضه منوره تا سال ۱۱۴۵ قمری / ۱۱۱۱ خورشیدی تنها مناره در مجموعه حرم رضوی محسوب می‌شد. در این سال، با دستور نادرقلی افشار پس از طلاکاری مناره کنار گنبد، سنگ بنای مناره دیگری گذاشته شد. این مناره را مقابل مناره قبلی، روبه‌روی ایوان طلا و پشت ایوان عباسی بنا کردند. در آن زمان، ایوان عباسی صرفاً کاربری جلسات وعظ و درس و برگزاری مراسم داشت و پشت آن، مدرسه‌ای قدیمی، متعلق به دوره تیموری، با نام «ملاتاجی» قرار گرفته بود. محمد کاظم مروی در «عالم‌آرای نادری» به جزئیات ساخت این مناره اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در آن وقت خاطر خورشید متأثر صاحبقران اقتضامد که در مقابل گنبدعالیه گلدسته‌ای دیگر بنا بگذارند. در دم حسب الامر والا در آن پهلوی ایوان مقصوره (عباسی) گلدسته‌ای تازه احداث نموده در مدت یک سال استادان صاحب وقوف به معماری استاد علی‌نقی مشهدی به اتمام رسانیدند... و محرف این حروف در محلی که گلدسته را می‌ساختند، رفته همه روزه ملاحظه می‌نمود و گلدسته جدید که مشهور به نادری است، به مرتبه‌ای زمین آن را حفر نمودند که چون از

